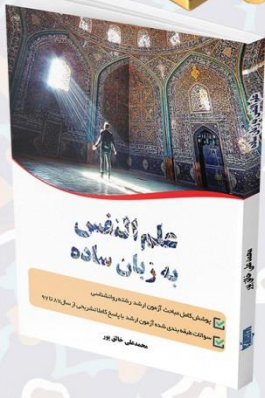


100%

مجموعه علم النفس
روان آموز
در اولین سال انتشار خود
۱۰۰ درصد مباحث
آزمون کارشناسی ارشد
سال ۹۸
را پوشش داد.



سوال ۹۱. گزینه ۴

ابن سینا برای عقل نظری چهار مرتبه ذکر کرده است. مرتبه اول عقل هیولانی (بالقوه، مطلقه) است. عقل هیولانی مرتبه ای از نفس، جزئی از نفس یا قوه ای از نفس است که استعداد این را دارد تا ماهیات و صور همه موجودات را از مواد آن ها انتزاع کند تا آن صور را به عنوان صورت آن مواد در نظر بگیرد.

صفحه ۱۰۵، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۲. گزینه ۴

ویژگی های غرایز از نظر رواقیون عبارت بود از: ۱. استقلال از تجربه ۲. سودمند برای سازگاری ۳. یکنواختی. ۴. غریزه تحت تاثیر عوامل محیطی قابلیت تغییر دارد (یعنی اگرچه اساس آن غیراکتسابی است ولی اکتسابی نیز هست). به همین دلیل حضرت علی علیه السلام، عقل را به دو نوع تقسیم می کنند: ۱. مطبوع، غریزی، طبیعی ۲. اکتسابی، محیطی، مسموع.

صفحه ۴۳، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۳. گزینه ۲

نفس مطمئنه: شخصیت در این مرحله، تحت سیطره کامل عقل قرار دارد و عقل است که مسیر اعمال و افکار انسان را تعیین می کند. انسان از مرحله حزن و خوف گذشته و اطمینان و رضامندی و به عبارتی روح و ریحان بر او غلبه می کند. او در مقابل لذت و درد حالتی یکسان دارد و همیشه راضی است. از نظر او، هرچه از دوست رسد نیکوست. بنابراین عقل موجب رسیدن فرد به نفس مطمئنه می شود.

صفحه ۱۷۴، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۴. گزینه ۱

هوی در لغت به معنای خواستن و میل است. هوای نفس به معنای میل به سمت لذت و دوری از درد و آلم است.

صفحه ۱۰، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۵. گزینه ۲

داروین معتقد بود که غریزه دارای بازتاب های پیچیده است با این تفاوت که انعطاف پذیری غریزه بیشتر از بازتاب است و به همین جهت رفتارهای غریزی تنوع بیشتری دارند.

صفحه ۴۳، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۶. گزینه ۳

نظر ملاصدرا درباره جدا بودن نفس و بدن از هم، با نظر مشائیان متفاوت است. مشائیان معتقد بودند نفس و بدن دو موجود جدا از هم هستند که ذات آن ها باهم متفاوت است. ذات بدن، مادی و ذات نفس، غیرمادی است. ملاصدرا معتقد بود که نفس و بدن اصلا ماهیت متفاوتی ندارند بلکه نفس و بدن در ابتدا یک موجود مادی است که در پایین ترین مرتبه وجودی قرار دارد. سپس این موجود مادی از طریق کسب معرفت و پیمودن مسیر کمال، به مراتب بالاتر یعنی مراتب غیرمادی و روحانی میرسد (نظریه تشکیک وجود). در واقع نفس در آغاز حدوث و ایجادش، جسمانی و مادی بوده است اما بر اساس حرکت جوهری، ذات و جوهرش در مسیر رسیدن به کمال تغییر می کند و به موجودی روحانی و مجرد تبدیل می شود.

صفحه ۱۳۵ و ۱۳۶، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

روایتان را زندگی کنید

سوال ۹۷. گزینه ۴

قوه نزوعیه با قوای حاسه، متخیله و ناطقه به صورت هماهنگ عمل می کند. هیچکدام از قوای حاسه، متخیله و ناطقه برای انجام عمل کافی نیستند مگر اینکه این سه قوه، قوه نزوعیه را به خدمت بگیرند و از طریق آن بدن را به حرکت درآورند. بنابراین اراده و اختیار از قوه نزوعیه سرچشمه می گیرند. اگر قوای حساسه و متخیله، نزوعیه را به خدمت بگیرند به این حالت اراده می گویند که مشترک میان انسان و حیوان است. اما اگر ناطقه، قوه نزوعیه را به خدمت بگیرد به این حالت اختیار می گویند که فقط مخصوص انسان است.

صفحه ۸۵، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۸. گزینه ۲

روانشناسان جدید برخلاف فلاسفه به حالات روانی یا کیفیات نفسانی می پردازند. همچنین روش تحقیق امروزی بر خلاف گذشته که عقلی بود، بر اساس مشاهده و تجربه است.

صفحه ۷۰، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۹۹. گزینه ۳.

متخیله (متفکره): همانند قوه مصوره کندی است و صورت محسوسات را در غیاب آن ها از دامنه حواس، درک می کند. همچنین می تواند در خواب یا بیداری صور مختلف را با هم ترکیب یا از هم جدا کند که این صورت های جدید ممکن است واقعی یا خیالی باشند. ادراک پدیده های سودمند و زیان بخش یا لذت بخش و آزاردهنده، و همچنین نیروی تخیل و بازآفرینی پدیده ها توسط این قوه انجام می شود. اگر این قوه توسط وهم به کار گرفته شود به آن متخیله و اگر توسط عقل به کار گرفته شود به آن متفکره یا مفکره می گویند.

صفحه ۸۵، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۱۰۰. گزینه ۴

بر اساس نظر حکمای پیشین (فلاسفه مشائی) قوه مدرکه (حواس ظاهری و باطنی) مخصوص نفس حیوانی است و جزئیات مادی را درک می کند و درک کلیات و معقولات مخصوص نفس ناطقه است. اما ملاصدرا با توجه به اینکه انسان را به صورت دو موجود متمایز مادی و غیرمادی تصور نمی کرد، معتقد بود تمامی قوای انسان (حواس ظاهری، حواس باطنی و قوه ناطقه)، مجرد و غیرمادی هستند. محل این قوا درون مغز و بدن نیست بلکه خارج از جسم است.

صفحه ۱۳۹ و ۱۴۰، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۱۰۱. گزینه ۳

وهم، متوهمه، واهمه، وهمیه (نفس حیوانی): این قوه در آخر تجویف (حفره) وسط مغز یا دماغ قرار دارد. وظیفه این قوه، درک نامحسوسات جزئی از محسوسات و درک معنا است. مثلاً اینکه یک گوسفند، دشمن بودن گرگ را درک می کند اگر چه در ظاهر این دشمن بودن گرگ قابل مشاهده نیست. یا حس محبتی که کودک هنگامی که مادرش را می بیند نسبت به او دارد.

صفحه ۱۰۲، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۱۰۲. گزینه ۱

غزالی در کتاب «معارج القدس فی مدارج معرفه النفس» بین نفس نباتی و حیوانی و انسانی فرق گذاشته و آن ها را همانند ابن سینا و فارابی و ارسطو تعریف کرده است:

۱. نفس نباتی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی است از آن جهت که نمو (قوه نامیه)، تغذیه (قوه غاذیه) و تولید مثل (قوه مولده) می کند.

۲. نفس حیوانی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی است از آن جهت که مدرک (درک کننده) جزئیات و متحرک بالاراده (حرکت کننده دارای اراده) است.

غزالی برای نفس حیوانی دو نوع قوه در نظر می گیرد: الف) قوای محرکه و ب) قوای مدرکه

غزالی قوای مدرکه را دو نوع می داند که در احساس و ادراک نقش دارند: ظاهره و باطنه. قوای ظاهری عبارتند از حواس پنجگانه شامل بینایی، بویایی، لامسه، چشایی، شنوایی. قوای باطنی نیز عبارتند از قوه خیال، وهم، تفکر، حفظ، تذکر.

غزالی در کتاب «معراج السالکین» قوای باطنه را سه نوع می داند:

- حس مشترک که هم وظیفه دریافت صورت ها و هم وظیفه نگه داری (قوه خیال) از آن ها را دارد.
- قوه وهمیه که وظیفه اش درک معانی جزئی است.
- قوه مفکره که از طریق ترکیب صورت ها، معانی بدیع و تازه را بوجود می آورد.

۳. نفس انسانی: کمال اول برای جسم طبیعی آلی است از آن جهت که اختیار عقلی دارد و استنباط و ادراک کلیات می کند.

صفحه ۱۲۱، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۱۰۳. گزینه ۳

حواس باطنی عبارتند از: ۱) حس مشترک، ۲) مصوره یا خیال، ۳) وهم، متوهمه، واهمه، وهمیه (نفس حیوانی)، ۴) حافظه، ذاکره، متذکره، ۵) متصرفه (متخیله-متفکره)

صفحه ۱۰۱ و ۱۱۶، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

سوال ۱۰۴. گزینه ۱

همه فضایل نهایتاً به عفت، شجاعت و حکمت باز می گردند. از ترکیب و نفوذ این فضایل در نفس فضیلت چهارمی به نام عدالت پدید می آید که ام الفضایل (مادر خوبی ها) است.

صفحه ۱۲۴، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز

فارابی، سعادت واقعی را رسیدن انسان به آخرین حد کمال یعنی عقل مستفاد می داند؛ به طوری که انسان شایستگی این را پیدا کند که عقل فعال، معقولات را به او افاضه کند و برساند. بنابراین، تعقل است که انسان را سعادت مند می کند.

صفحه ۹۰، کتاب علم النفس به زبان ساده روان آموز